

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه عالم بزرگوار عطاء بن خلیل ابورشته امیر حزب التحریر

به مناسبت صدمین سالروز سقوط خلافت راشده 1342 هـ.ق - 1924 م

(ترجمه)

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله صلى الله عليه و على آله و صحبه و من والاه و بعد
خطاب به امت اسلامی به صورت عام و به مردان و زنان حامل دعوت برای برگردانیدن خلافت
راشده به صورت خاص

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

صدسال قبل در چنین روزهایی در اواخر ماه رجب سال 1342 هـ.ق موافق با اوایل ماه مارچ سال
1924 م بود که کفار استعمارگر به رهبری بریتانیای وقت و به کمک خائنان عرب و ترک
توانستند دولت خلافت را سرنگون کنند و مصطفی کمال، بزرگترین جنایتکار عصر، خبر سقوط
خلافت را اعلان نموده و خلیفه را در شهر استانبول محاصره کرد و سحرگهان آن روز وی را
تبعید نمود. او این جنایت را به دستور بریتانیا مرتکب گردید تا در بدل آن به عنوان رئیس بیمار
جمهوری سکولار ترکیه منصوب گردد. سقوط خلافت که اسباب عزت مسلمانان و رضایت
پروردگارشان را فراهم می نمود، سرزمین های مسلمانان را تکان شدیدی داد.

این جنایتکار با ملغا نمودن خلافت، عملاً کفر بواح و آشکار را اعلان نمود بناءً بر امت اسلامی
واجب بود تا با شمشیر به جنگ او می رفتند، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی
متفق علیه به روایت عبادة بن صامت رضی الله عنه فرمود:

«وَأَنْ لَا تُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ»

ترجمه: و این که با حکام منازعه نکنیم مگر این که کفر آشکاری از آنان ببینید که از جانب الله
در آن برهان و دلیلی مشاهده نمائید.

اما برخورد خشن و شدید وی در کشتار امت به ویژه علماء، چنانچه بسیاری از آنان، از جمله
شیخ سعید بیران رحمه الله را اعدام نمود و شمار دیگری را زندانی نمود، در کوتاهی امت
تأثیرگذار بود و باعث گردید امت مسؤولیت خویش برای ضربه زدن به این جنایتکار و یاران اش
را اداء نکنند، ضربه ای که او و یاران اش را سرنگون و ناکام کند. عکس العمل امت در برابر این
تکان شدید در حدی نبود که مصطفی کمال خاین در حق الله، رسول اش و مؤمنین را مغلوب
نماید. به این ترتیب، وی که با کار زشت و پلید خویش مرتکب کفر بواح شده بود از دست امت
نجات یافت و سرکوب نگردید.

سپس نفوذ کفار استعمارگر جای‌گزین خلافت در سرزمین‌های مسلمانان گردید و شروع به تجزیه و تکه پاره نمودن این سرزمین‌ها نمودند در حدی که این سرزمین‌های واحد را به پنجاه و پنج پاره تقسیم کردند و این همان پیامد تکان شدیدی بود که منجر به نابودی خلافت گردید.

پس از آن امت را با تأسیس دولتی برای یهودیان در سرزمین مبارک فلسطین، که سرزمین اسراء و معراج رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، تکان دیگری دادند و این دولت را با اسباب بقاء تقویت نمودند. نخستین سبب بقای دولت یهود این بود که توسط حکام مزدور احاطه و مورد حمایت قرار گرفت، نه فقط احاطه، بلکه حکام خائن مذکور با شکست‌های پیاپی در هر جنگی که بر علیه یهود راه اندازی می‌گردید، این دولت را فراتر از حجم و توان واقعی آن وانمود کردند. به این حد نیز اکتفاء نکردند، بلکه با تمام توان به جنگ‌الله و رسول‌اش بر آمدند و سعی کردند قضیه فلسطین را از محو و ریشه کن نمودن رژیم یهود از این سرزمین به مذاکره با این رژیم تغییر دهند تا شاید از بخشی از اماکنی که در سال 1967م اشغال نموده بیرون رود. با مرور زمان چندین درجه دیگر نیز کوتاه آمده شروع به عادی سازی روابط شان با رژیم مذکور نمودند، حتی بدون این که یهود از هیچ بخشی از این سرزمین عقب نشینی نماید. برخی از حکام خاین جنایت عادی سازی روابط خویش را مخفیانه و از پشت پرده انجام دادند و برخی دیگر علناً و شبانه روزی!

پس از آن که حکام مصر در این مسیر ذلت و حقارت پیشگام شدند، حکام اردن سپس امارات، بحرین، سودان و المغرب آنان را دنبال نمودند و اینک حکام سعودی اندک اندک خود را در این مسیر قرار داده و با اشاره به دولت‌های قبل از خود می‌فهمانند که پس از آنان در این مسیر قرار گرفته و از این کاروان عقب نخواهند ماند. این حکام همه در ارتکاب این جنایت شنیع با یکدیگر رقابت دارند بدون این که اندکی به ذلت و خواری توجه نمایند که از فرق سر تا کف پای‌شان را فرا گرفته:

﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ [الانعام:124]

ترجمه: از سوی الله هرچه زودتر خواری و رسوائی [در دنیا] نصیب کسانی می‌گردد که مرتکب گناه شدند، و عذاب سختی [در آخرت] به سبب نیرنگی که می‌ورزند بهره ایشان می‌شود.

این تنها فلسطین نیست که درد خنجر از پشت این حکام خاین را متحمل می‌شود، بلکه بخش‌های پاک دیگری از سرزمین اسلام را همراه با خود شان تسلیم کفار نموده اند؛ کشمیر را هندوهای مشرک به دولت خود پیوند زدند، روسیه جزیره کریمیه را، جنوب سودان از شمال آن جدا شد و تیمور شرقی از خاک اندونیزیا برکنده شد. و اما قبرس، آری قبرس که سال‌های درازی قلعه مصون مسلمانان بود، امروزه بخش‌های زیادی از آن در اختیار یونان است. مسلمانان روهینگیا در میانمار "بورما" سربریده می‌شوند و اگر به بنگلادیش پناه ببرند، نظام بنگلادیش عرصه را بر آنان تنگ نموده و آنان را به جزیره "باسان‌چار" تبعید می‌کند، جزیره‌ای که سراسر خطر بوده و

در معرض سیلاب‌های کشنده قرار داشته و به هیچ وجه قابلیت سکونت بشر را ندارد. ترکستان شرقی، که حکومت چین بی رحمانه با آنان برخورد نموده و همچون حیوانات وحشی با آنان تعامل می‌کند، تعاملی که حتی حیوانات وحشی از آن خود داری می‌کند. حکومت چین منطقه ترکستان شرقی را تبدیل به زندانی برای مردان و زنان آزاده آن نموده علناً و در برابر چشم و گوش حکومت‌های حاکم در سرزمین‌های مسلمانان، مرتکب جنایت‌ها و کشتار می‌گردند، اما این حکومت‌ها بسان قبرستان‌ها سکوت اختیار نموده و هرگاه لب به سخن گشاید، جنایت‌های چین در حق مسلمانان را مسأله داخلی آن بر می‌شمارد.

﴿كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ [الكهف:5]

ترجمه: چه سخن بزرگی از دهان‌های شان بیرون می‌آید! آنان جز دروغ و افتراء نمی‌گویند

سایر سرزمین‌های مسلمانان توسط حکام مزدور و خائنی حاکمیت می‌شود که همواره بر محور کفار استعمارگر در گردش اند، حکامی که نه امنیت این سرزمین‌ها را تأمین می‌کنند و نه حق بندگان را رعایت، سرمایه‌های مسلمانان در همه جا به غارت رفته و کرامت شان در هر کجا و در هر حال زیر پا می‌شود. کفار استعمارگر، به ویژه امریکا هیچ اهمیتی مسلمانان قایل نیستند، بلکه حتی مزدوران خویش را با عبارات ذلیلانه و تحقیر آمیز صدا زده می‌گویند: «اگر حمایت ما نباشد شما قادر نخواهید بود برای چند روزی هم بالای چوکی‌های ناپایدار و لرزان خویش باقی بمانید، پس به قدر توان، بلکه حتی فراتر از توان خویش به ما باج دهید» و چه واقعاً به گفته مشهور شاعر عرب: «کسی که خوار و ذلیل شد تحمل ذلت برایش آسان خواهد بود».

ای مسلمانان! حالت شما پس از سقوط خلافت از این قرار است که بیان‌گردید؛ طوری که سایر امت‌ها یک دگر را بر علیه شما فرا می‌خوانند، اما به یاد آورید زمانی را که زیر چتر خلافت قرار داشتید از چه حالتی برخوردار بودید؟

شما بهترین امت استید که برای سایر مردم بیرون آمده اید، پیروان محمد صلی الله علیه وسلم، خاتم النبیین و امام مجاهدین، اجداد شما خلفای راشده و فرماندهان فاتح بودند، شما نواده‌گان ناصر صلاح‌الدین استید، کسی که صلیبیان را مغلوب و بیت‌المقدس را در ماه رجب سال 583 هـ از نجاست صلیبیان رهانید، نواده‌گان قطز و بیبرس، کسانی که تاتار را شکست دادند، نواده‌گان محمد فاتح، فرمانده جوانی که از سن اش در زمان فتح قسطنطنیه در سال 857 هـ - 1453 م از بیست و سه سال فراتر نرفته بود که الله سبحانه و تعالی او را به مدح رسول الله صلی الله علیه وسلم مشرف نمود، رسول الله در حدیثی که احمد از بشر خثعمی روایت نموده فرمود: «فَلْتَنْعَمَ الْأَمِيرُ أَمِيرَهَا وَتَنْعَمَ الْجَيْشُ ذَلِكَ الْجَيْشُ»

ترجمه: «چی نیکو امیریست امیر آن و چی نیکو ارتشیست ارتش آن».

نواده‌گان خلیفه سلیمان قانونی، کسی که فرانسه در قرن شانزدهم میلادی سال 1525 م برای رهایی پادشاهش از اسارت از او درخواست کمک نمود، اما همان فرانسه امروز آن درخواست کمک خویش از خلیفه مسلمانان را فراموش نموده و یا تظاهر به فراموشی کرده و به مقدسات

اسلام رسول اسلام می‌تازد بدون این که کسی این اقدامات آن را دنبال و محاسبه نماید، زیرا سپر اسلام در هم شکسته. نواده‌گان خلیفه سلیم سوم، همانی که در زمان حاکمیت خویش ایالات متحده آمریکا برای جواز عبور با امن کشتی‌های آمریکا در اقیانوس اطلس به جانب بحر متوسط و مصئونیت آن از تعرض نیروهای بحری عثمانی در ولایت الجزائر مالیات سالانه می‌پرداخت و آن نخستین باری بود که آمریکا مجبور شده بود معاهده‌ای را به زبانی غیر از زبان خود یعنی به زبان دولت دیگری "دولت عثمانی" در سال 1210 هـ 1792 م امضاء کند. اما همان آمریکا امروزه بالای حکام مسلمانان تسلط داشته خطاب به آنان می‌گوید: پول بپردازید زیرا این مائیم که از شما حمایت می‌کنیم. نواده‌گان خلیفه عبدالحمید، همانی که ملیون‌های طلایی پیشنهاد شده توسط یهود برای خزانه دولت در بدل جواز سکونت شان در فلسطین را رد نموده و سخن مشهوراش را گفت: «اگر گفتارها به من حمله نموده و جسمم را پاره پاره کنند برایم آسان‌تر از آن است که شاهد جدا شدن فلسطین از پیکر دولت خلافت باشم» وی در ادامه گفت: «بهتر است یهودیان این ملیون‌های خویش را برای خود نگهدارند و اگر دولت خلافت زمانی از هم فروپاشید آنان در آن هنگام خواهند توانست فلسطین را بدون هیچ بهائی به دست آورند» و دقیقاً همین کار هم شد. نواده‌گان کسانی که ساعت را اختراع نموده و یکی از آن را برای شارلمان که بزرگ‌ترین شاه اروپای آن زمان بود هدیه فرستادند و اطرافیان‌اش گمان کردند این شیئی پر از عفریت و جن است. آری! حالت ما در افکار روشن و روشن‌گر مان چنین بود و حالت آنان در افکار پست و مریض شان چنان!

ای مسلمانان زمانی که زیر چتر خلافت قرار داشتید چنان بودید اما اینک که خلافت از مقابل شما دور شده چنین استید، پس بهتر نیست از این حالت پند و عبرت گیرید؟!

در پایان خطاب به اهل قوت و قدرت چنین می‌گویم: ای نواده‌گان خالد، صلاح‌الدین و محمد فاتح! این تنها شما هستید که می‌توانید درد امت خویش را در برابر دشمنان امت و دین خود التیام بخشید و این تنها شما هستید که می‌توانید تابوی ذلتی که مسلمانان در سرزمین‌های خود در آن گیرمانده اند در هم شکنید. با چنین کاری، عزت و شرف آغاز تحقق آرزوی امت از آن شما خواهد بود و سایر امت با تمام لشکریان خویش شما را دنبال خواهد نمود و به این ترتیب قطعاً به خواست الله سبحانه و تعالی تنها نخواهید ماند، پس به پا خیزید و به ما نصرت دهید، حزب التحریر را در برپائی خلافت رانده نصرت دهید. بدانید که خلافت رانده نه فقط از نظر واقعیت راه پیروزی است، بلکه در قدم نخست یک فریضه بس بزرگ است، زیرا احکام توسط آن برپا شده و حدود به وسیله آن جاری خواهد شد اما در نبود آن احکام بالای مردم تطبیق نگردیده و حدود در میان شان جاری نخواهد شد. کسی که توان کار در راستای برپائی خلافت را دارد اما نمی‌کند در حقیقت مرتکب گناه بزرگی می‌شود و به مرگ جاهلیت از دنیا خواهد رفت، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«...وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: هر آن کس که بدون بیعت بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است

می‌دانیم که مسلمانان پیش از تجهیز و دفن پیکر رسول الله صلوات الله علیه و سلامه اقدام به بیعت با خلیفه نمودند به دلیل اهمیتی که دارد و این اهمیت به دلیل عظمت و اهمیت خلافت است و بس.

ای آنانی که از توان و قدرتی برخوردار هستید و ای اهل نصرت و ای لشکریان مسلمانان!

آیا در میان شما مصعب بن عمیر نیست؟ اسعد بن زراره نیست؟ اسید بن حضیر نیست؟ سعد بن معاذ نیست؟ همانانی که دین الله و رسول‌اش را نصرت دادند و با این کار خویش رستگاری دنیا و آخرت را نصیب شدند، در حدی که حدی که حدی عرش رحمان با مرگ سعد بن معاذ به دلیل نصرتی که به دین الله داده بود لرزید؛ چنانچه بخاری به نقل از جابر رضی الله عنه روایت نموده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که فرمود:

«اهْتَزَّ الْعَرْشُ لِمَوْتِ سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ»

ترجمه: عرش در مرگ سعد بن معاذ لرزید

پس آیا در میان شما مرد رشیدی نیست تا دین الله و رسول‌اش و اهل دعوت را نصرت دهد؟ بدانید که امت در انتظار شما به سر می‌برد، در انتظار تکبیر شما تا آنان نیز ندای تکبیر را سر دهند، در انتظار این که پرچم اسلام "الرایه" در دستان شما به اهتزاز درآید و آنان لا اله الا الله گویان شما را دنبال کنند. تنها با همین طریقه است که امت برپا خاسته و خلافت راشده را برپا خواهند نمود، همان خلافتی که اسلام را در داخل تطبیق و به وسیله دعوت و جهان برای سایر جهانیان خواهد رسانید و از نصرت الله برخوردار خواهد شد:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ [غافر: 51]

ترجمه: ما قطعاً پیامبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

ای لشکر الله! ما همه می‌دانیم که برای برپائی خلافت و راه اندازی لشکری که اسلام و مسلمانان را نصرت دهد هرگز ملکی از آسمان فرود نخواهد آمد، اما اگر با جدیت، صداقت و اخلاص برای از سرگیری زندگی اسلامی در زمین و برپائی خلافت کار و تلاش کنیم، ملائکه برای کمک به ما فرود خواهند آمد، زیرا این وعده راستینی است که در کتاب الله سبحانه و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن یاد گردیده و یاوه سرائی‌های کسانی که خلافت را در عصر حاضر یک خواب و خیال بر می‌شمارند در آن تأثیری ندارد، بلکه واقعیت این است که کسانی که برپائی خلافت را خواب و خیال می‌شمارند، خود در خواب و خیال به سر می‌برند، اما برپائی خلافت یک واقعیت بوده و به خواست الهی قطعاً عملی خواهد شد و حقایق چهارگانه زیر آن را تأیید می‌کند:

اول: وعده الله:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [النور: 55]

ترجمه: الله [سبحانه و تعالی] به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید...

دوم: بشارت رسول الله به برگشتن خلافت بر منهدج نبود که بعد از حکومت‌های جبری خواهد بود:

«...ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ» ثُمَّ سَكَتَ

ترجمه:

سپس ملک "حکومت‌های" جبری خواهد بود و تا زمانی که الله بخواد باقی خواهد ماند سپس هرگاه بخواد آن را از میان برخواهد داشت سپس خلافت بر منهدج نبوت خواهد آمد.

راوی می‌گوید رسول الله پس از آن سکوت نمود. این حدیث را احمد از حذیفه روایت نموده

سوم: امت زنده و پویائی که خیر امت‌ها لقب گرفته که برای سوق دادن مردم به جانب هدایت فرستاده شده:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید؛ (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید.

پس چنین امتی اگر مدتی در تلاش برای برپائی خلافت آرام گیرد، این آرامش همان آرامش قبل از توفان است.

چهارم: وجود و فعالیت حزب مخلصی به الله سبحانه و تعالی و صادق با رسول الله صلی الله علیه وسلم که این راه را پیوسته ادامه می‌دهد و شبانه روز در تلاش تحقق وعده و بشارت رسول الله به سر می‌برد، انگار این حزب مصداق فرموده رسول اسلام است که گفت:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَلَهُمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ»

ترجمه

همواره گروهی از امت من خواهند بود که بر حق استوار بوده و عدم یاری دیگران [به استواری شان] ضرری نمی‌رساند تا آن که امر الله فرا رسد و آنان در همین وضعیت باشند

این حدیث را مسلم از ثوبان روایت نموده

هر یک از موارد چهارگانه فوق به تنهایی کافی است تا ثابت کند که کار برای خلافت خواب و خیال نیست و اگر هر چهار مورد با هم جمع گردد دیگر مجالی برای شک باقی نمی‌ماند! بنابراین این برپائی خلافت یک حقیقت و واقعیتی است که زمان آن به خواست الله متعال دور نخواهد بود و قطعاً ثبات و پایداری آن پس از برپائی نیز به خواست الهی یک امر قطعی و حتمی است. پایه‌های

دولت‌های بزرگ امروزی به زودی از هم فروپاشیده و سرنگون خواهد شد و این دولت‌ها در نزد الله سبحانه و تعالی و بندگان‌اش بسی سست و ضعیف است، آنچه یک مخلوق کوچکی به نام "کوید 19" که با چشم قابل رویت نیست با این دولت‌های بزرگ و در رأس آن امریکا نمود گویای روشن این ادعاست. ببینید در جریان انتخابات امریکا چه اتفاقاتی که نیفتاد؛ گروهی آن را دزدیده شده و تزویری خواندند و گروه دیگر همان را یک پیروزی بزرگ دانستند! سپس کنش و واکنش‌های دو طرف به رد و بدل نمودن سخنان زننده خلاصه نشد، بلکه به ادارات رسمی حمله ور شدند و در قلب رهبریت نظام سرمایه‌داری به جان یک دگر افتاد و خون هم را ریختند در حالی که هر دو طرف ندای دموکراسی از هم پاشیده را سر می‌دادند. این است واقعیت جهان امروز، آن هم بزرگان و قافله سالاران آن. این جهان را هیچ چیزی بجز برپائی دولت اسلام که همان دولت خلافت راشد بر منهدج نبوت است از این منجلا بپرون آورده نخواهد توانست.

ای برادران! ما با تمام توان تلاش نموده و عاجزانه از الله سبحانه و تعالی می‌خواستیم تا برپائی خلافت قبل از فرا رسیدن سالروز صدساله‌گی سقوط آن صورت گیرد، طوری که در جریان هفتاد سالی که از عمر حزب می‌گذرد روزهایی را سپری نمودیم که بسیار نزدیک بود در جریان آن به خلافت دست‌یابیم اما باز از آن فرصت دور می‌شدیم، اما با آن هم ما هرگز از رحمت الله نا امید نمی‌شویم، بلکه با چشمانی پر از امید به فرا رسیدن خلافت و دل‌های مملو از تپش برای برپائی آن، به سعی و تلاش خویش همچنان ادامه می‌دهیم و با تمام وجود اطمینان داریم که سر انجام برپا خواهد شد، زیرا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده و بشارت آن را برای ما داده:

«...ثُمَّ تَكُونُ خِلاَفَةٌ عَلَیْ مِنْهَا جِ النَّبُوَّةُ»

ترجمه

در پی آن خلافت بر منهدج نبوت خواهد بود

تمام این حقایق و بشارت‌ها باید همت‌ها را بر انگیزته و اراده‌ها را مستحکم نماید و آتش شوق را مجدداً شعله‌ور سازد و از مردان ما کسانی با توان فراتر بسازد، درست به سان کسی که بر اثر بلایی نازله از هوش رفته سپس همین بلا را نشانه‌گشایش و پیروزی بداند.

الله علیم و خبیر چنین خبر داده:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ [الشرح: 5-6]

ترجمه: چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است. مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

و رسول صادق و تصدیق شده نیز در حدیثی چنین خبر داده:

«وَأَنَّ يَغْلِبَ عُسْرٌ يُسْرَيْنِ»

ترجمه: هرگز یک دشواری بر دو آسانی غالب نخواهد شد

و نامه عمر خطاب به ابی عبیده نیز از همین حقیقت خبر می‌دهد: «هرگز سختی نبوده مگر این که الله پس از آن گشایشی آورده و هرگز یک دشواری بر دو آسانی غالب نخواهد شد». پس با این حساب، گشایش به خواست و اراده آفریدگار جهانیان آمدنی است و خلافت با بازوان مؤمنین صادق برپاشدنی، خلافتی که رژیم یهود را نابود و فلسطین را مجدداً به دار اسلام برخواهد گرداند، روم پس از فتح فارس، فتح شده و حنجره‌های پاک این فرموده الله قوی و شکست ناپذیر را فریاد خواهند زد:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [الاسراء: 81]

ترجمه: و بگو: حق آمد، و باطل از میان رفته و نابود گشته است؛ یقیناً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است.

ندای تکبیر جهان را پر و نور اسلام زمین را روشن خواهد نمود:

﴿لَيُبْلَغَنَّ هَذَا أَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَنْزِلٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ بَعْرَ عَزِيزٍ أَوْ بَدَلٍ ذَلِيلٍ عِزًّا يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ وَذُلًّا يُدِلُّ اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ﴾

ترجمه

این امر "اسلام" به هر کجا که شب و روز رسیده، خواهد رسید و هیچ خانه‌ای گلی و پخته‌ای نخواهد بود مگر این که الله این دین را به قیمت عزت بعضی‌ها و یا به قیمت ذلت بعضی دیگر وارد آن خواهد نمود، عزتی که الله اسلام را با آن عزیز و ذلتی که الله کفر را با آن ذلیل خواهد نمود

این حدیث را احمد به نقل از تمیم داری روایت نموده

ما به خوبی می‌دانیم که دشمنان اسلام تحقق این آرزو را محال می‌پندارند و تمسخرکنان مقوله گذشته‌گان شان را تکرار خواهند نمود: ، ﴿عَزَّ هُوَ لَا يَدِينُهُمْ﴾ [الانفال: 49] ترجمه: دین شان آنان را مغرور نموده. اما چنان که این مقوله بار دوش کسانی شد که آن را به زبان می‌آوردند و الله سبحانه و تعالی دین خویش را عزت داد و مسلمانان را نصرت، امروز نیز این اظهارات تمسخر آمیز اینان سر انجام بار دوش شان خواهد شد، زیرا الله عزیز و حکیم همواره با بنده‌گان متوکل، مخلص و صادق خود بوده و هست، همانانی که با کار و پیکار خویش را با جدیت و تلاش خسته‌گی ناپذیر ادامه داده و دل‌ها و اعضای بدن شان هرگز از این فرموده الله سبحانه و تعالی فاصله نمی‌گیرد:

﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [الطلاق: 3]

ترجمه: الله فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و الله برای هر چیزی زمان اندازه‌ای قرار داده است!

با گذشت هر روز، آنان به این زمان مقدر و تعیین شده توسط الله سبحانه و تعالی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند:

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

ترجمه: الله بر کار خود چیره و مسلط است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

برادر شما

عطاء بن خليل ابو رشته امير حزب التحرير

شنبه 29 رجب 1442 هـ.ق

13 مارچ 2021 م

#ReturnTheKhilafah #YenidenHilafet ## کو_قائم_کرو #أقيموا_الخلافة #TurudisheniKhilafah_خلافت_کو_قائم_کرو